

کار مضاعف و همّت مضاعف در سخن و سیره پیشوایان دین

مهران ابراهیمی*

چکیده

کار و همّت، نقشی حیاتی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌نماید. این دو، عمری به بلندای حیات انسانی داشته و در تمام ادیان، ملل و جوامع، به عنوان یک ارزش و امتیاز مطرح است؛ چرا که در صورت بروز روح سستی، استقلال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در معرض سقوط و انحطاط قرار خواهد گرفت.

در سیره پیشوایان دین □ به این صفت انسانی توجه ویژه‌ای شده است. این توجهات را می‌توان در «فرهنگ اسلامی کار» یا به دیگر سخن «آداب اسلامی کار و همّت» جستجو نمود.

بر همین مبنا، نگارنده کوشیده است تا فلسفه و لزوم کار، مقدمات، آفات و جنبه‌های ارزشی کار و همّت را بر مبنای آموزه‌های اسلامی ارائه نموده و سپس به تبیین و تحلیل یکی از بنیادی‌ترین بخش‌های اقتصادی، یعنی کشاورزی، از منظر سیره معصومان □ بپردازد.

کلید واژه‌ها: کار مضاعف، همّت مضاعف، تلاش، کشاورزی.

مقدمه

کار و همّت مضاعف، بدون شک یکی از عوامل موفقیت در ابعاد فردی و اجتماعی انسان است. نقش کار و تلاش در جهت ارتقا وضع موجود و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی، بر هیچ عقل سلیمی پوشیده نیست. کار و همّت مضاعف، آن گاه می‌تواند نقش خود را به خوبی در پیشبرد جامعه و چشم‌اندازهای مورد نظرش ایفا نماید که به شکل یک فرهنگ مطلوب، مفید و سازنده معرفی و به عنوان یک هدف مقدّس و انسانی، بر تک تک اذهان اعضای یک جامعه تثبیت شود.

* دانشجوی کارشناسی علوم حدیث، دانشکده مجازی.

با توجّه به آن که رهبر معظّم انقلاب اسلامی، سال ۱۳۸۹ را سال «همّت مضاعف، کار مضاعف» نام‌گذاری فرمود و این که کار و خدمت‌رسانی به دیگران، در حدّ وسع و توان، لازم است، تا آن جا که پیامبر عظیم‌الشان اسلام \square می‌فرماید: «هر که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام ننماید، مسلمان نیست»، نگارنده بر آن شد تا در حدّ بضاعت علمی خویش، این موضوع را از منظر احادیث بررسی نماید.

اهمّیت کار و تلاش

بی شک آفریدگار هستی، جهان مادی را برای بهره‌وری و استفاده خلیفه خویش، مسخّر وی گردانیده است. زمین، با طبیعت و منابع بی نظیرش، در همین راستا مهیّا گشته است. اما این‌ها نباید سبب غرور، سستی و کاهلی او در کار و همّت گردد بلکه برای گذران زندگی و رزق خود، نیاز به کار و تلاش در این کره خاکی دارد.

پیشرفت علوم تجربی، این حقیقت را نشان داده است که اجزای جهان چنان هماهنگ شده‌اند که امکان زندگی و کسب روزی را برای انسان، ممکن ساخته‌اند. امیر المؤمنین علی \square در این زمینه می‌فرماید:

أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِثْشَاءً... وَ لَمْ يَبْنِ مَخْتَلِفَاتِهَا؛

خداوند آفرینش را از هیچ آغاز کرد... و بین اجزای مختلف آن کشش و هم‌خوانی ایجاد کرد (نهج البلاغه، خطبه ۱).

انسان به عنوان جانشین و خلیفه پروردگار در زمین، بر تمام منابع و استعدادهای طبیعی زمین، تسلّط دارد و این مطلب، نیاز انسان به کار و تلاش در عرصه بهره‌برداری و استخراج منابع طبیعی زمین را می‌رساند. حضرت علی \square در باره خواست و حکمت پروردگار متعال در چگونگی آفرینش جهان، مبنی بر ارضای نیازهای طبیعی انسان می‌فرماید:

و جعل ذلك بلاغاً للآنام و رزقاً للانعام... فاهبطه بعد التوبة ليعمر ارضه بنسله؛

خداوند سبحان با این خلقت عظیم، توشه مادی و معنوی برای مردم، و روزی برای جانوران عنایت فرمود... او حضرت آدم را پس از توبه بر زمین فرود آورد تا با نسل خود زمین را آباد نماید (همان، خطبه ۹۱).

علاوه بر فایده تأمین نیازهای انسان، از جنبه‌های گوناگون دیگری نیز لزوم و ضرورت کار و همّت اثبات می‌گردد. آیات قرآن کریم و سیره ائمّه معصوم \square یکی از آنهاست.

معصومان \square در احادیث گوه‌ر بار و همچنین در سیره عملی زندگی پر تألّف خویش، بر وجوب، اهمّیت و نقش حیاتی کار و همّت، و عواقب تنبلی و بیکاری و سربار دیگران شدن، تذکّر و هشدار می‌دادند.

پیامبر اکرم \square در باره وجوب عینی کار و کسب رزق حلال می‌فرماید:

طلب الحلال، فریضه علی کلّ مسلم و مسلمة؛

به دست آوردن درآمد حلال، وظیفه واجب هر مرد و زن مسلمان است (بحار/الأنوار، ج ۲۳، ص ۶).

از منظر پیامبر اکرم □ کسی که سربار دیگران شود و از دست رنج آن‌ها ارتزاق نماید، از رحمت خدا به دور و مطرود درگاه الهی است:

ملعون من القی کله علی الناس؛

کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران بیفکند (و از دست رنج مردم امرار معاش نماید)، از رحمت خدا به دور است. (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۷؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۳۳)

رسم و سیره ایشان در مواجهه با کسانی که شرایط لازم برای انجام کار داشتند، اما بیکار و بدون شغل زندگی را می‌گذراندند نیز نشان‌دهنده و گویای اهمیت کار و تلاش است:

کان رسول الله □ اذا نظر الی الرجل فاعجبه، قال: هل له حرفة؟ فان قالوا لا، قال: سقط من عینی؛

رسم پیغمبر اکرم □ این بود که وقتی با مردی برخورد می‌کرد که نیرو و قوتش مایه شگفتی آن حضرت می‌شد سؤال می‌کرد: آیا حرفه ای دارد و به کاری مشغول است؟ اگر جواب منفی بود، می‌فرمود: از چشم من افتاد. (بحار/الأنوار، ج ۲۳، ص ۶)

در همین زمینه، امام محمد باقر □ نیز در حدیثی تربیتی و هشداردهنده می‌فرماید:

قال موسی: یا رب، ائی عبادک ابغض الیک؟ قال: جیفة باللیل بطل بالنهار؛

حضرت موسی بن عمران در پیشگاه الهی عرض کرد: پروردگارا، کدام یک از بندگانت نزد تو بیشتر مورد بغض و بدبینی است؟ فرمود: آن که شب‌ها چون مرداری در بستر خفته و روزها را به بطالت و تنبلی می‌گذراند. (همان، ج ۷۳، ص ۱۸۰)

در فرهنگ و منش اسلامی، کار و همت، ارزش و هنجار و در مقابل، بیکاری، مسامحه و سستی، یک ضد ارزش و ناهنجاری تلقی می‌شود. مولای متقیان حضرت علی □ در این باره می‌فرماید:

التوانی، مفتاح البؤس؛

مسامحه و سستی، کلید سختی‌ها و مصائب است. (المستطرف، ج ۲، ص ۵۶)

هم ایشان در حدیث پر معنای دیگری در باره فساد بیکاری دائم می‌فرماید:

ان یکن الشغل مجهدة، فاتصال الفراغ مفسدة؛

اگر تن دادن به شغل، مایه زحمت و تعب است، بیکاری دائم نیز باعث نادرستی و فساد است. (الإرشاد، ص ۱۴۱)

بنا بر این، این دیدگاه که فقط شکل کار و نه اصل کار، اهمیت دارد و کارهای طبقه پایین جامعه، مایه عار و ننگ است، باطل و فاقد دلیل عقلی و نقلی است؛ بلکه آن چه از مجموع احادیث ائمه معصومین □ استنتاج می‌گردد، درجه بالای شرافت، قدر و منزلت، کار و همت مناسب و مفید است.

در این زمینه حضرت علی □ در جواب کسانی که اجداد و گذشتگان خویش را سبب شرافت و فضیلت خویش می‌دانند، می‌فرماید:

الشرف بالهمم العالیه لا بالرمم البالیه؛

شرف و فضیلت آدمی، به همت‌های بلند و اراده‌های نیرومند است، نه به استخوان‌های پوسیده و اجساد متلاشی شده درگذشتگان. (غرر الحکم، ص ۴۴۸، ح ۱۰۲۷۳)

ایشان بردباری و شکیبایی در عمل را از همت عالی می‌داند و می‌فرماید:

الحلم و الأناة، توأمان، یتجهها علو الهمة؛

بردباری و شکیبایی، هم‌زادند و زائیده همت عالی. (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۰)

یعنی در اثر همت بلند، دو خوی پسندیده در آدمی آشکار می‌شود: بردباری و خودداری از شتابزدگی.

در حقیقت، از منظر امام علی □ میزان همت انسان، نمودار و تابلوی ارزش اوست. چرا که ارج و منزلت افراد را باید در میزان علو آنان جستجو نمود:

قدر الرجل علی قدر همته؛

ارزش هر انسانی، به قدر همت اوست. (همان، حکمت ۴۷)

در نتیجه، هر چه این فضیلت در انسان بیشتر باشد، ارزش انسانی او قطعاً بالاتر خواهد بود و این خود، نشان و گواه دیگری بر لزوم و ضرورت کار و همت در جهت رشد و کمال برای انسان است.

تشویق به کار

با توجه به این که کار و تلاش سبب پیدایش آثار و برکات گوناگونی می‌شود، پیشوایان دین علاوه بر این که سختی و رنج کار را بر خویش هموار می‌نمودند، به عنوان یک اصل ارزشی و برای فراگیر کردن فرهنگ کار در جامعه اسلامی، به تشویق و ترغیب مسلمانان می‌پرداختند.

امام صادق □ با این سخن گران‌مایه، شوری مضاعف در کسب روزی حلال برای خانواده ایجاد می‌نماید:

الکاذ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله؛

کسی که در طلب روزی خانواده خود کار می کند و به سعی و کوشش تن می دهد، مانند مجاهدی است که در میدان کارزار برای خدا جهاد می نماید. (الکافی، ج ۵، ص ۸۸)

سیره امام رئوف، حضرت رضا^ع، نیز مانند اجداد بزرگوار خویش است. حضرت در حدیثی می فرماید:

انّ الذی یطلب من فضل یکنف به عباله، اعظم اجرأ من المجاهد فی سبیل الله؛
آن کس که برای معاش خانواده خود فعالیت می کند و از پی روزی می رود، اجرش از مجاهد راه خدا، بزرگتر است. (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۴۵)

شرافت کار و بی نیازی، به اندازه ای اهمیت دارد که رسول اکرم^ص کار سنگین و مشقت زا را، برتر و والاتر از درخواست کمک از ثروت مند می داند:

لأن یحتطب الرجل علی ظهره فیبیعه و یتصدق بفضله، خیر من أن ینال رجلاً آتاه الله من فضله، فیعطیه أو ینعه؛

اگر مردی برای خارکنی به بیابان برود و هیزمها را با دوش خود حمل نماید و آن را بفروشد، خویشتن را بی نیاز کند و اضافه اش را صدقه بدهد، بهتر از آن است که از ثروت مندی که خدا به او داده است، درخواست کمک نماید؛ خواه مرد متمکن به او چیزی بدهد یا محرومش سازد. (تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۲۲۹)

کار برای کسب روزی حلال و تأمین زندگی، در منظر معصومان^ع به قدری مورد توجه و سرنوشت ساز است که عدم کسب معاش و ترک کار، از عوامل عدم استجابت دعا خوانده شده است. علی بن عبد العزیز از امام صادق^ع روایت می کند:

قال لی: ما فعل عمر بن مسلم؟ قلت: جعلت فداک، اقبل علی العبادة و ترک التجارة. فقال: ویحه، اما علم أنّ تارک الطلب لا یستجاب له دعوات؟؟

امام صادق^ع به من فرمود؟ عمر بن مسلم چه کرد؟ عرض کردم: او به عبادت خدا روی آورده و تجارت را ترک گفته است. حضرت از عمل او اظهار تأسف کرد و فرمود: مگر نمی داند که هر کس طلب معاش را ترک نماید، دعایش مستجاب نخواهد شد؟ (لتالی الأخبار، ص ۱۳۳)

سیره عملی پیشوایان دین نیز مصداق روشنی از تشویق به کار و تلاش مضاعف است. در این جا به سه روایت اشاره می کنیم.

ابو عمرو شیبانی می گوید:

امام صادق^ع را دیدم که بیلی در دست و جامه خشنی در بر داشت. در محوطه شخصی خود کار می کرد و عرق از پشتش می ریخت. عرض کردم: بیل را به من بدهید تا کار شما را انجام دهم. حضرت فرمود: دوست دارم که مرد در به دست آوردن معاش، آزار حرارت آفتاب را ببیند و رنج آن را تحمل نماید (الکافی، ج ۵، ص ۷۶).

علی بن حمزه می‌گوید:

حضرت ابی الحسن □ را دیدم که در زمین خود کار می‌کند و قدم‌های مبارکش غرق عرق شده است. عرض کردم: مردان کار کجا هستند که شما شخصاً زحمت می‌کشید؟ حضرت جواب فرمود: کسانی که از من و پدرم بهتر بودند، کار می‌کردند. پرسیدم آن‌ها کیستند؟ حضرت فرمود: رسول خدا و امیر المؤمنین و تمام پدرانم با دست خود کار می‌کردند. کار کردن، عمل انبیا، رسولان، مردان صالح و شایسته است (مَحَجَّةُ الْبِیضاء، ج ۳، ص ۱۴۷).

زراره نقل می‌کند:

مردی به حضور امام صادق □ آمد عرض کرد دست سالمی ندارم که با آن کار کنم، سرمایه ندارم تا با آن تجارت کنم، مرد محروم و مستمندی هستم، چه کنم؟ امام صادق □ (که می‌دید سر آن مرد سائل، سالم است و می‌تواند طبق رسوم محلی با آن کار کند، راضی نشد عزت و شرفش را با گدایی از مردم درهم بشکند) به وی فرمود: با سرت برابری کن و خود را از مردم بی‌نیاز بدار (همان، ص ۱۴۳).

هَمَّت و تَلَّاش «مُضَاعَف»

ضرورت و اهمیت کار و نقش پیش برنده آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان، و دهها فایده دیگر مانند عزت نفس، استقلال و خودکفایی، هر یک به تنهایی کافی است که این امر مهم و جبهه هَمَّت جامعه اسلامی شود. اما در فرمایشات رهبر معظم انقلاب، هر دو عنوان تلاش و هَمَّت، متّصف به صفت «مضاعف» شده است که فهم آن و کشف مراد ایشان از این شعار بایسته و مهم است.

ممکن است گمان شود این که از امت اسلامی در سال ۱۳۸۹ هَمَّت و عزم بیشتر و کار و تلاش فراوان تر خواسته شده است، نوعی دعوت به فداکاری و ایثارگری در عرصه‌های کار و تلاش است و این که کارکنان بخش‌های خصوصی یا دولتی، بیش از میزان منطقی و تعریف شده کار کنند و به پیشرفت کارها اهتمام بورزند. مثلاً کارمندی که روزانه هفت ساعت کار می‌کند باید پیشرفت کار او در هر روز به میزان چهارده ساعت برسد! هر چند چنین منظوری از شعار مورد نظر واقعی به نظر نمی‌رسد اما دعوت به ایثار و فداکاری، خود عاملی اخلاقی در جهت ترویج اخلاق و فرهنگ اسلامی است و این امر بویژه در سال‌های پس از انقلاب و بالأخص در دوران دفاع مقدّس مدّ نظر فرماندهان جبهه‌های نور علیه ظلمت بود و بسیجیان ایثارگر نیز به بهترین شکل به این دعوت عمومی لبیک گفته و فرهنگ پُرکاری و فداکاری را برای همیشه در این کشور به یادگار گذاردند و بعید نیست که مقصود رهبر فرزانه انقلاب از اعلام این شعار،

الاحیاء
الکلیه

احیای مجدد روحيات بسيجي سال‌های دفاع مقدس و همگانی کردن آن بوده باشد، اما این دعوت عمومی ایشان را به گونه دیگری نیز می‌توان فهمید که با واقعیات جامعه، سازگارتر باشد و افرادی که علاقه و تمایلی به فرهنگ ایثار ندارند نیز مشمول این دعوت و مقصود کلام رهبری شوند.

بر این اساس، مراد رهبر فرزانه انقلاب از شعار «کار مضاعف، همت مضاعف»، بالا بردن بهره‌وری در کارهاست. بهره‌وری، یعنی بهره‌مندی از همه امکانات به بهترین روش و کم کردن هزینه‌ها برای به دست آوردن محصول بیشتر و بازدهی بالاتر. به عبارت دیگر، میانگین پیشرفت کار در همه حوزه‌های تلاش فردی و اجتماعی، رو به افزایش باشد.

کارشناسان اقتصادی و اجتماعی، برای جوامع مختلف بشری از جهت کار، مطالعه و... میانگین‌هایی را به دست آورده‌اند که بعضاً میزان بهره‌وری آن‌ها بسیار پایین است. مثلاً سرانه مطالعه در میان مردم کشورهای مختلف، از چند دقیقه در روز تا دو یا سه ساعت است. یا میانگین کار مفید در هر شیفت کاری یک کارمند یا کارگر در کشورهای مختلف نیز به همین صورت متفاوت است.

به گمان، نظر معظم له در اعلام شعار کار مضاعف، همت مضاعف، بالا بردن این میانگین‌ها و سرانه‌ها در حوزه کار، عزم و تلاش است.

به این معنا که مثلاً در یک اداره انتظار می‌رود با کاربرد بودجه و نیروی کار یک‌سان و متناسب با سال قبل، در سال جاری دستاوردی مضاعف و بیشتر از سال قبل داشته باشند. در این زمینه، روایات و آموزه‌های دینی که مسلمین را به کار بیشتر و به دست آوردن محصول بالاتر دعوت می‌کند، مناسب و قابل ذکر است.

احترام به کارگر

در فرهنگ اسلامی، کار مفید و سازنده وسیله‌ای مشروع برای دستیابی به اهداف جامعه اسلامی است. بنا بر این، هر نوع کاری که مفید و در جهت برآورده ساختن نیازها و اهداف مشروع جامعه باشد، قابل تشویق و تحسین است. بر این اساس است که در سیره پیشوایان دین، کارگر شأن و منزلت خاصی دارد و احترام به او تأکید و سفارش شده است.

سیره عملی پیامبر □ نمونه بارزی از احترام به کارگر و بزرگداشت مقام اوست. انس بن مالک، به یک مورد اشاره می‌کند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لما أقبل من غزوة تبوك، استقبله سعد الانصاري، فصافحه النبي ﷺ ثم قال له: ما هذا الذي اكتب يديك؟ قال: يا رسول الله، اضرب بالر و المسحاة، فانقحه على عيالي. فقبّل يده رسول الله ﷺ و قال: هذه يد لا تمسّها النار؛

زمانی که رسول اکرم ﷺ از جنگ تبوک برگشت، سعد انصاری به استقبال آمد. حضرت با او مصافحه کرد و دست سعد را زبر و خشن دید. فرمود: چه صدمه و آسیبی به دستت رسیده است؟ عرض کرد: یا رسول الله، من با طناب و بیل کار می‌کنم و درآمد را خرج معاش خانواده‌ام می‌نمایم. رسول اکرم دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی‌کند. (اسد الغابة، ج ۲، ص ۲۶۹)

آری، هر چند ممکن است شکل یک کار ساده، از دید برخی مرفهان، پست و پایین در نظر آید اما منزلت والای کارگر در مطلب فوق به خوبی هویداست. در این جا برای اشاره و تأکید بیشتر بر احترام به کارگر در سیره پیشوایان دین، به یک روایت مشهور از پیامبر اکرم ﷺ توسّل می‌جوییم.

روزی رسول اکرم با اصحاب خود نشستند، جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است. کسانی که در محضر آن حضرت بودند گفتند: این جوان، شایسته مدح و تمجید بود اگر جوانی و نیرومندی خود را در راه خدا به کار می‌انداخت. رسول اکرم ﷺ فرمود: «این سخن را نگویند. اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند تا در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم مستغنی گردد، او با این عمل، در راه خدا قدم بر می‌دارد. هم‌چنین اگر کار می‌کند تا زندگی والدین ضعیف یا کودکان ناتوان را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان سازد، باز هم به راه خدا می‌رود. ولی اگر کار می‌کند تا با درآمد خود به تهیدستان مباحثات نماید و بر ثروت و دارایی خود بیفزاید، او به راه شیطان رفته و از صراط حق منحرف شده است.» (محرّجۃ البیضاء، ج ۳، ص ۱۴۰)

خدمت‌رسانی

خدمت‌رسانی به دیگران و کسب قرب و رضای الهی، از قله‌های ارزشی در بحث کار و خدمت است. خدمت، در فرهنگ اسلامی با آن چه در معنای لغوی و عرفی خود دارد تفاوت می‌کند. خدمت اسلامی، یعنی کاری که با شرایط و مقدمات پیش‌گفته در جهت برآوردن و برطرف کردن نیاز انسانی انجام گردد. بنا بر این، خدمت، اخصّ از کار است؛ چرا که کار علاوه بر جنبه کم‌رسانی به دیگران غالباً جنبه شخصی و معیشتی دارد، اما در خدمت‌رسانی، انسان مؤمن جنبه‌های سود فردی را از خویش دور می‌کند و در سایه سار قرب الهی بدون چشم‌داشت مادی از دیگران، در جهت رفع نیاز بندگان خدا می‌کوشد.



در فرهنگ قرآنی و سیره معصومان □ خدمت و خدمت‌گزاری، همان بابرکت و سودمند بودن انسان در اجتماع مسلمانان است. و اگر کسی به امور مسلمین، اهتمام و توجه نداشته باشد مسلمان نیست:

من اصبح لا يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم (الكافی، ج ۲، ص ۱۶۳).

امام صادق □ در تفسیر آیه و جعلنی مبارکاً اینما كنت (سوره مريم، آیه ۳۱) می‌فرماید:

«نفاعاً، یعنی بسیار سودمند باشد». (الكافی، ج ۲، ص ۱۶۵)

هم ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

«المؤمنون خدم بعضهم لبعض... يفيد بعضهم بعضاً»

بعضی مؤمنان، خدمت‌گزار برخی دیگرند. به این صورت که بعضی به بعضی سود می‌رسانند. (همان، ص ۱۶۷)

خدمت و برطرف کردن نیاز دیگران آنچنان مهم و ارزش‌مند است که در روایات، فضایل بی‌شماری برای عاملش ذکر شده است. از جمله:

پاداش مجاهدان راه خدا. (بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۷: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸۸)

یک عمر عبادت الهی. (الأمالی طوسی، ص ۴۸۱، ح ۱۰۵۱)

یک میلیون حسنه. (الكافی، ج ۲، ص ۱۹۷)

نه هزار سال عبادت خدا با روزه گرفتن و شب‌زنده داری. (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵)

برآورده شدن صد هزار حاجت در قیامت. (الكافی، ج ۲، ص ۱۹۳)

برتر از آزاد ساختن هزار بنده و هدیه نمودن هزار اسب زین و لگام بسته در راه خدا. (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۱۶: الكافی، ج ۲، ص ۹۷)

مقامی والا که فضیلت و ثواب آن جز با همانندش به دست نمی‌آید. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۹، ح ۱۴۵۲۴)

کسی که بین صفا و مروه سعی کند. (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۰۳)

بایسته‌های کار و تلاش

انجام هر کار و امری، به فراهم و مهیا نمودن شرایط اولیه و پیش‌نیازهای آن نیاز دارد و بدون وجود آن‌ها، کار اصلی یا عقیم می‌ماند یا دچار نقصان و عیب می‌شود. در فرهنگ اسلام و سیره ائمه معصومین □ نیز، در صورتی کار و همت عالی، ارزش و هنجار تلقی می‌گردد که مقدمات و لوازم ابتدایی و ضروری آن به نحو احسن رعایت گشته و انجام پذیرفته باشد.

در این بخش، به اهم این موارد از منظر احادیث پیشوایان دین پرداخته می‌شود:

الف. نیت قلبی و اخلاص

در فرهنگ اسلام، نیت کار باید فقط رضایت الهی باشد. در حقیقت، این نیت است که تعیین‌کننده قبولی یا عدم قبولی کار در پیشگاه الهی است. همان طور که قرآن کریم به این مسئله خطیر و سرنوشت‌ساز اشاره کرده، ائمه معصومین^ع نیز در احادیث بسیاری مسلمانان را به زلال و الهی نمودن نیت‌ها ارشاد فرموده و اصلاح کارها را فقط در گرو اصلاح و خالص نمودن نیت دانسته‌اند.

از رسول اکرم^ص در این باره روایت شده است:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى؛

تمام اعمال انسان به نیتش بر می‌گردد و هر شخص بر اساس نیتی که دارد جزا می‌بیند. (صحیح البخاری، ج ۱، ح ۱)

حضرت علی^ع نیز اهمیت نیت و خلوص قلب را به قدری مهم و سرنوشت‌ساز می‌داند که بدون وجود آن هیچ عملی در پیشگاه خدا قبول نیست؛
أَنْكَ لَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْ عَمَلِكَ إِلَّا مَا اخْلَصْتَ فِيهِ؛

هیچ عملی از تو در پیشگاه خداوند قبول نمی‌شود مگر آن که آن را با خلوص انجام داده باشی. (غرر الحکم و درر الحکم، ص ۱۵۵، ح ۲۹۱۳)

مولای متقیان رابطه تنگاتنگی را بین نیت و عطایا و بخشش‌های الهی می‌داند و معتقد است هر اندازه نیت، رضای الهی باشد، به همان میزان لطف و عنایت الهی شامل حال انسان می‌شود:
على قدر النية تكون من الله العطيّة؛

عطیه (بخشایش) الهی به اندازه نیت هر فرد است. (همان، ص ۹۲، ح ۱۵۹۴)

بنا بر این، نیت خیر و الهی، به منزله دروازه عمل صالح است و بدون آن، پاداشی نصیب فاعل نخواهد گردید.

ب. آغاز کار با نام و یاد پروردگار

در فرهنگ اسلامی همان‌گونه که باید برای انجام کار، خلوص نیت داشت، لازم است آغاز کار و عمل نیز با نام و یاد کسی شروع گردد که به انسان توفیق انجام کار و عمل صالح را می‌دهد. این کار علاوه بر آن که نوعی ادب مملوک در برابر مالک خویش است، شامل جنبه‌های معنوی بسیاری از جمله نیک فرجام گشتن عمل می‌شود. بنا بر سخن علامه طباطبائی، هر امری از امور، از بقاء، آن مقدار نصیب خواهد داشت که خدا از آن امر، نصیب داشته باشد. (ر.ک: تفسیر المیزان،

ذیل آیه اول سوره حمد) در حقیقت، خلوص نیت و بسمله گفتن، دو روی یک سکه و غیر قابل تفکیک و دو عمل توأم هستند.

رسول گرامی اسلام □ در سخنی می فرماید:

كَلَّ أَمْرٌ ذِي بَالٍ، لَمْ يَبْدَأْ خَيْرَ بَيْسَمِ اللَّهِ فَهُوَ ابْتِرْ؛

هر کار مهم و ارزش مندی که با نام خدا شروع نشود، ناقص و بدون نتیجه است. (بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۱۰۸)

بدون شک کاری که با نام و مدد از او آغاز می شود، چنان آرامشی را بر جان و روح آدمی حاکم می کند که دیگر او را از وابستگی افراطی به نتیجه باز می دارد.

امام علی □ در حدیثی دیگر می فرماید:

كان رسول الله □ لا يجلس ولا يقوم الا على ذكر الله؛

رسول خدا □ در هیچ مجلسی نمی نشست و بر نمی خاست مگر با یاد خدا. (همان، ص ۱۵۱)

بنا بر این، یکی از علل موفقیت و دریافت مُهر قبولی در کار و همت اسلامی، آغازگری با نام خالق یکتاست.

ج. دور اندیشی و احتیاط

«حزم» در لغت به معنای «محکم و استوار ساختن امری، هوشیاری، پیش بینی و دوراندیشی» (فرهنگ معین، واژه حزم) آمده است.

در آیین اسلام، انسان مؤمن باید از درک، درایت، دوراندیشی و احتیاط برخوردار باشد. در آغاز هر کاری، باید شناخت دقیقی از مراحل کار، از ابتدا تا پایان داشته باشد و سپس تجهیزات و مقدمات آن را فراهم کند و متناسب با مراحل کار، استفاده نماید تا از آفات و خطرات، مصون بماند. حضرت علی □ در همین مقوله می فرماید:

من راقب العواقب، سلم من التوابع؛

آن که در عاقبت کارها دقیق شود، از گرفتاری ها مصون می ماند. (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۶، ج ۱۰۹۱۸)

حزم (استواری کار) و احتیاط، در سیره پیشوایان دین، بسیار تأکید شده است.

مولای متقیان علی □ پیش شرط پیروزی ها را در گرو به کارگیری حزم و احتیاط می داند و می فرماید:

الظفر، بالحزم و الحزم، بالتجارب؛

پیروزی با دوراندیشی، و دوراندیشی با تجربه‌ها به دست می‌آید. (همان، ص ۴۴۴، و ۴۷۴، ح ۱۰۸۶۴)

یکی از بازتاب‌های دوراندیشی، عدم شرم‌ساری و عذرخواهی است. مولای متقیان می‌فرماید:
ایاک و ما یعتذر منه؛

از انجام کاری که عذرخواهی و شرم‌ساری تو را در پی دارد بپرهیز. (نهج البلاغه، نامه ۳۳)

در نگاه امام □، حزم و احتیاط، سبب زدودن شک و تردید و ایجاد حالت یقین و به تبع آن قدم نهادن در راه حق و راست است:

امسک عن طریق اذا خفت ضلالتك، فان الكف عند حيرة الضلال خير من ركوب الاهوال؛

در راهی که در آن ترس از گمراهی هست، قدم نگذار، که باز ایستادن در سرگردانی گمراهی، بهتر است از افتادن در کارهای خطرناک. (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۱۰)

البته در کاربرد حزم و احتیاط نباید افراط و تفریط شود. حزم و احتیاط، هنگامی سبب پیروزی و شناخت حق می‌گردد که به اعتدال به کار رود.

امام حسن عسکری □ در این زمینه می‌فرماید:

للحزم مقداراً، فان زاد عليه فهو جبن؛

احتیاط و محکم‌کاری، اندازه‌های دارد که اگر از حدش فزون‌تر شود، ترس خواهد بود. (بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۱۸)

د. توکل بر خداوند

توکل در فرهنگ اسلامی، به همان معنای لغوی خود به کار رفته است. توکل، از ماده و کالت و به معنای «به دیگری اعتماد کردن، کار خود را به خدا حواله کردن، به امید خدا بودن» (فرهنگ معین، واژه توکل) آمده است. توکل در فرهنگ اسلامی، صرفاً یک ارزش اخلاقی نیست بلکه پایه ایمان و اعتقاد به خالق یکتاست. انسان مؤمن باید تا آن جا که در توان دارد تلاش و کوشش نماید و آن چه را که از قدرت و توانش بیرون است به خدا واگذار کند و با توکل، نتیجه کار خویش را به خالق هستی بخش بسپرد و به وسیله آن، ناراحتی و دلهره را از وجودش بیالاید.

حضرت علی □ می‌فرماید:

التوکل خير عماد؛

توکل، بهترین تکیه‌گاه است. (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۶، ح ۳۸۵۵)

توکل حقیقی، توکلی است که انسان همه چیز را از سوی پروردگار و به اذن و فرمان او بداند.

بنا بر این، قلب انسان مؤمن باید کانون توکل بر خداوند باشد. در این صورت، هم احساس بی‌نیازی از ما سوی الله می‌کند و هم احساس عزت و قدرت؛ چرا که بر قدرتی تکیه کرده که بالاتر از همه چیز، بی‌نیاز از همه کس و همه چیز، و قدرتی شکست‌ناپذیر است. و این آزادگی انسان مؤمن با توکل است.

همین معنا، با تعبیر لطیف دیگری از امام باقر □ نقل شده است:

من توکل علی الله، لا یغلب و من اعتصم بالله، لا یهزم؛

هر کسی که بر خدا توکل کند، مغلوب نمی‌شود و کسی که به دامن لطف خداوند چنگ بزند، شکست نمی‌خورد. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۶۸۱)

امام علی □ هم در فواید و برکات توکل می‌فرماید:

من توکل علی الله، ذلت له الصعاب و تسهلت علیه الأسباب؛

کسی که بر خدا توکل کند، مشکلات در برابر او خاضع، و اسباب برای او سهل و آسان می‌گردد. (میزان الحکمه، باب توکل، ج ۲۲۲۵۳)

ه. صبر و استقامت

صبر و استقامت، کلید اسرار آمیز موفقیت در کارها و اعمال است. در کنار توکل و حزم، صبر نیز، جزء لازمی برای انجام و به اتمام رساندن کار است. در حقیقت، با قدرت معجزه آسای صبر و استقامت است که شدائد و سختی‌های کار، کوچک جلوه نموده و انسان، باشجاعت، استواری و امیدواری در مسیر گام بر می‌دارد.

در فرهنگ قرآنی، «صابران» قدر، منزلت و جایگاه ویژه‌ای داشته و بارها از جایگاه بلند آنان سخن رفته است، تا جایی که قرآن می‌فرماید: { اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِیْنَ } (سوره بقره، آیه ۱۵۳).

ناگفته پیداست که چنین ارزش اخلاقی، در سیره گفتاری و عملی معصومان دین نیز، همواره تأکید شده و جایگاه ویژه‌ای یافته است.

حضرت علی □ در باره جایگاه والای صبر می‌فرماید:

الصبر من الایمان کالرأس من الجسد،

نسبت صبر به ایمان، مانند نسبت سر برای بدن است. (نهج البلاغه، حکمت ۸۲)

صبر و استقامت، در کلام امام علی □ به عنوان: ضامن پیروزی (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۸۳، ج ۶۳۱۲)، بهترین دفع‌کننده بلا (همان، ص ۲۸۴، ج ۶۳۳۷)، آسان‌کننده مصیبت (همان، ص ۲۸۱، ج ۶۲۶۳)، عامل به خاک مالیدن بینی دشمنان (همان، ص ۲۸۴، ج ۶۳۵۹)، گنجینه ایمان (همان، ص ۲۸۲، ج ۶۲۹۸) و عامل پیروزی حتی پس از روزگاری دراز (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۲،

ص ۷۶۸) مطرح شده است. بنا بر این، اهمیت و تأکید این مسئله در قرآن کریم و سیره پیشوایان دین، روشن و مبرهن است.

آسیب‌شناسی کار و همّت:

تلاش و همّت، از ابتلا به آفت و آسیب دور نیست. بر هر خردمندی پیش از آغاز هر کار لازم است آفات و آسیب‌های آن را بشناسد تا از دچار شدن به آن‌ها پیش‌گیری کند. از میان همه آفات، به سه عامل مهم‌تر اشاره می‌شود:

۱. تنبلی و کاهلی

تنبلی، کاهلی و مسامحه در امور و کارها، در بعد فردی، سبب عقب‌ماندگی در کارها و از دست رفتن فرصت‌هاست. و در بعد اجتماعی نیز سبب هدر رفتن نیروهای انسانی و نهایتاً عدم استقلال اقتصادی و عدم خودکفایی خواهد شد. تنبلی و سستی، دشمن کار و تلاش است و در هر جا رخنه کرده، روحیه کار و همّت مضاعف را از بین برده است.

در فرهنگ اسلامی، انسانی که تنبلی و سستی را پیشه خود سازد، مورد لعن و طرد قرار گرفته و دیگر نام مسلمانی زینده وی نیست. در حقیقت، فرد تنبل و اهمال‌کار، حق خدای را به جا نیاورده است. امیر المؤمنین می‌فرماید:

إياكم والكسل، فأنه من كسل لم يود حق الله؛

از تنبلی بپرهیزید که تنبل، حق خدا را ادا نکند. (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۱۱۰)

مولای متقیان نتیجه تنبلی را، شکست در عرصه‌های زندگی معرفی می‌کند:

من اطاع التواني، ضيع الحقوق؛

آن کس که از تنبلی و سستی پیروی کند، حقوق خویش را ضایع کرده است. (تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۵۹)

و در حدیث دیگری همین هشدار را می‌دهد:

هيهات من نيل السعادة السكون الى الهوانا و البطانة؛

آرمیدن در آغوش تنبلی و سستی، دوری جستن از خوش‌بختی و سعادت است. (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۲۶، ح ۷۶۰۵)

بر اساس سخن امام علی سستی رذیله‌ای است که هم در دنیا و هم در آخرت سبب خسران خواهد گشت:

التواني في الدنيا، اضعاه و في الاخرة، حسرة،

سستی، در دنیا از دست دادن فرصت‌ها و در آخرت پشیمانی آورد. (الكافی، ج ۱ ص ۴۰۳)

امیر بیان □ عاقبت کاهلی و سستی در انجام اعمال نیکو را زیان‌بار می‌داند و می‌فرماید:
 من قصر فی ایام امله قبل حضور اجله، فقد خسر عمله و ضره اجله؛
 کسی که قبل از فرا رسیدن مرگ در اعمال نیکو کوتاهی کند، حاصل کارش زیان است
 و مرگ او مایه خسران. (نهج البلاغه، خطبه ۲۸)
 فقر به عنوان یکی از عواملی که سبب انواع و اقسام منکرات در جامعه است، زائیده تبلی و
 سستی است. حضرت علی □ در حدیثی در این باره می‌فرماید:
 انّ الأشياء لما ازدوجت ازدوج الكسل و العجز فتتجا بینهما الفقر؛
 آن روز که همه چیز به هم پیوند خوردند، تبلی و ناتوانی به هم آمیخته و از آن دو،
 فرزندی به نام فقر و تهی‌دستی زاده شد. (الكافی، ج ۵، ص ۸۶)
 از خصوصیات و نتایج تبلی و سستی، سربار شدن و ارتزاق از دست‌رنج دیگران است.

۲. افراط و تفریط

افراط در لغت به معنای «از اندازه در گذشتن، و زیاده‌روی کردن» (فرهنگ معین، واژه افراط) و
 در مقابلش، تفریط به معنای «کوتاهی کردن، تباہ کردن، و ضایع ساختن» (همان، واژه تفریط)
 است. در فرهنگ اسلامی نیز همین معنا و مقصود آمده است.
 آن چه افراط و تفریط را به عنوان آفتی برای کار و همت قرار داده است، گذشتن از مرز
 اعتدال و میانه‌روی و به دیگر سخن گذشتن از دایره عدل و حق است. دین اسلام، دین میانه‌رو
 است. معصومان □ نیز در تمام امور و کارهای خویش، راه میانه و اعتدال را در پیش می‌گرفتند و
 ما در تاریخ زندگانی پیشوایان دین حتی به یک مورد بر نمی‌خوریم که افراط یا تفریط در کارها،
 از آنان گزارش شده باشد.
 از منظر امام جعفر صادق □ کلید تمام بدی‌ها و بدبختی‌ها، افراط در کار و همت و نیز سستی
 و مسامحه‌کاری است. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۵)
 ایشان در باره محدوده تلاش در راه کسب معاش می‌فرماید:

لیکن طلبک المعیشة فوق کسب المزیع و دون طلب الحریص الراضی بدنیاه المطمئن الیه؛
 تلاش تو برای معاش، باید بیش از عمل ضایع‌کننده (در اثر سستی) باشد و کمتر از
 تلاش حریصی باشد که با دنیا خشنود می‌شود و به آرامش می‌رسد. (تنبیہ الخواطر، ج ۱،
 ص ۱۳)

اصولاً رعایت اعتدال، نشانه عقل است و عدم اعتدال، نشانه جهالت و بی‌خردی. از همین رو، مولای متقیان می‌فرماید:

لا تری الجاهل الا مفراطاً او مفرطاً؛

جاهل را نمی‌بینی مگر این که افراط می‌کند یا تفريط. (نهج البلاغه، حکمت ۷۰)
حضرت علی \square در بیان بخشی از صفات متضاد آدمی، لزوم اندازه داشتن تمایلات و خطر افراط و تفريط آن‌ها را خاطر نشان می‌سازد:
فکل تقصیر به مضرّ و کلّ افراط له مفسد؛

هر کوتاهی در تمایلات، زیان‌آور و هر زیاده‌روی نسبت به آن‌ها باعث فساد و تباهی است. (همان، حکمت ۱۰۸)

همچنین امیر المؤمنین \square ضمن وصایایش به امام حسن مجتبی \square در زمینه اعتدال و میانه‌روی می‌فرماید:

و اقتصد یا بنی فی معیشتک؛

فرزند عزیزم، در تلاش معاش، میانه‌رو و معتدل باش و از زیاده‌روی پرهیز کن. (بحار الأنوار، ج ۶۸ ص ۲۱۴)

۳. آرزوهای دور و دراز

امید به آینده و آرزوهای منطقی و دست‌یافتنی، در فرهنگ اسلامی مثبت و ارزش‌مند قلمداد شده است. امید و رجاء به موفقیت‌های مادی و معنوی در زندگی، موتور محرکه حرکت انسان است. سخن پیامبر اکرم \square این مطلب را تأیید می‌نماید:

الأمل رحمة لأمّتی و لولا الأمل ما رضعت والدة ولدها و لا غرس غارس شجرأ؛

آرزو، برای امت من رحمت است؛ اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌نشاند. (همان، ج ۷۴، ص ۱۷۵)

با توجه به مجموع روایات عنوان «امل» به دست می‌آید که در فرهنگ دینی، آرزو به دو گونه مثبت و منفی است. آرزوی مثبت که به رجاء و امید نزدیک‌تر است، متعلق به امور معقول، مشروع و دست‌یافتنی است. در مقابل، آرزوهای منفی، در بیان ائمه اطهار \square نفی و طرد شده است. این آرزوها، در بیشتر احادیث، به آرزوهای دور و دراز و دست‌نیافتنی تفسیر شده است که رسیدن به آن‌ها انسان را از مسیر حق‌طلبی و اعتدال خارج می‌سازد و او را به افراط‌گری در کار و تلاش سخت در دنیا، پیوند می‌دهد. هشدارهای ائمه \square در این باره بسیار جدی است. پیامبر اکرم \square برای امت خود، بیش از هر چیز از آرزوهای دراز و همچنین مسبب آن یعنی هوای نفس، اظهار نگرانی و ترس می‌کند:

ان اخوف ما اخاف علی امتی، الهوی و طول الامل؛

برای امت خویش از دو چیز، خائف و ترسانم: هوای نفس، و آرزوهای دراز. (همان، ج ۶۷ ص ۷۵)

آرزوهای دور و دراز، سبب ضایع و تباه کردن اعمال و رفتار انسان می‌گردد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
من اطال الامل، اساء العمل؛

کسی که آرزو را دراز گرداند، رفتار خود را ضایع و تباه کرده است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۶) به راستی که با بلندپروازی‌های نابه جا و آرزوهای بی حساب و طولانی، انسان کارها را کنار می‌نهد و در جستجوی سراب رؤیاهای خویش، به ورطه نیستی و نابودی کشانده می‌شود. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

من جرى في عنان امله، عثر باجله؛

کسی که از پی آرزوهای بی حساب خود روان گردد، به سوی سقوط و مرگ قطعی لغزیده است. (همان، حکمت ۱۹)

با این وصف، تکیه کردن بر چنین آرزوهایی، کاری جز حماقت و ابله‌ی نخواهد بود. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

من الحمق، الاتكال على الأمل؛

تکیه کردن بر آرزو، ابله‌ی و حماقت است. (عمر الحکم و درر الکلم، ص ۳۱۲، ح ۷۲۲۶) بنا بر این، دل به آرزوهای طولانی و زیاد بستن، برگرفته از فساد عقل است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

كثرة الاماني من فساد العقل؛

آرزوهای زیاد، ناشی از فساد عقل آدمی است. (همان، ص ۶۵، ح ۸۶۱) از منظر تربیتی و اخلاقی امام علی علیه السلام بهترین داروی شفا بخش، ترک آرزوهای موهوم و منفی است:

انفع الدواء، ترك المتی. (همان، ص ۳۱۲، ح ۷۲۱۳)

پیشوای مذهب جعفری امام صادق علیه السلام در حدیثی بسیار آموزنده، در وجه افتراق افراد عاقل و جاهل می‌فرماید:

العاقل يعتمد على عمله و الجاهل يعتمد على أمله؛

عاقل، به کار، سعی و همت خویش تکیه می‌کند، ولی نادان، به آمال و آرزوهای خویش متکی هستند. (همان، ص ۱۵۱، ح ۲۷۸۱)

عوامل گوناگونی وجود دارد که خود، فی نفسه و ذاتاً یک ارزش والا و مثبت تلقی می‌شوند و نیز نمود عملی آن‌ها، در بستر کار و فعالیت جلوه می‌کند و کار و تلاش را به گنجینه‌ای ارزش‌مند مبدل می‌سازد. در این بخش، با توجه به محدودیت نوشتار، به مهم‌ترین عوامل توفیق در کار اشاره می‌شود.

۱. شایسته‌سالاری

یکی از اصول حیاتی و سرنوشت‌ساز در عرصه کار و اشتغال بویژه در حوزه حکومت و مدیریت جامعه، شایستگی و لیاقت در مقام، منصب و حرفه مورد نظر، یعنی شایسته‌سالاری است. بی‌شک اهتمام به شایسته‌سالاری، موجب جلوگیری از ورود و نفوذ افراد سودجو، فرصت‌طلب، فاسد، جاهل و... به عرصه حکومت به عنوان کارگزار می‌شود و نیز سبب زدودن معیارهای جاهلی چون ثروت و قدرت‌طلبی می‌گردد؛ آن چنان که قرآن کریم در داستان طالوت به آن اشاره می‌فرماید. شایسته‌سالاری، نیازمند زمینه‌های تعلیمی و تربیتی است که از وظایف و اهداف مهم حاکمیت است. در گذشته به دلیل این که روابط و تعاملات، به صورت ساده و سطحی اجرا می‌گشت، وجود نهاد تعلیم و تربیت در سطوح و عرصه‌های گوناگون لازم نبود، اما در عصر حاضر، وجود این نهاد، ضروری است تا در جهت استصلاح و پیشرفت مردم، انجام وظیفه کند (حسن نظری، در کتاب کار و تولید، در مقایسه عصر امام علی □ با جامعه امروزی می‌نویسد: «اداره حکیمانه جامعه آن روز، تعلیم و تربیتی بیش از این را نمی‌طلبد؛ ولی در عصر حاضر، نهاد تعلیم و تربیت باید در جهت استصلاح و پیشرفت فرهنگی مردم، رشد فرهنگ عمومی، تقویت وفاق اجتماعی، از میان بردن آسیب‌های گوناگون اجتماعی و گسترش مهارت و فن نیز گام بردارد).

در منظر پیشوایان دین نیز شایسته‌سالاری در تمام امور تأکید گردیده و به عنوان یک ارزش مهم و حیاتی مطرح است. هر کسی توان و استعداد خاصی دارد که مجموع این توانایی و ظرفیت‌ها، وی را برای کاری خاص، لایق و شایسته می‌سازد.

پس انسان باید ظرفیت و شایستگی‌های خویش را ملاک ورود در تمام امور قرار دهد. در حقیقت، انسان مؤمن، نباید کاری را به کسی که شایستگی‌اش را ندارد بسپارد، همچنین نباید در کار و مسئولیتی که خود توان و شایستگی و اهلیت انجام آن را ندارد وارد شود. در اشاره به این مطلب، داود رقی از امام صادق □ روایت می‌کند:

لا ینبغی للمؤمن ان ینذل نفسه. [قبیل له: و کیف ینذل نفسه؟ قال:] یتعرض لما لا یطیق؛

سزاوار نیست که مؤمن خود را ذلیل سازد. سؤال شد: چگونه خود را ذلیل می‌سازد؟
فرمود: کاری که در عهده طاعت و توانایی او نیست می‌پذیرد. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۴)

نکته‌ای که در شایسته‌سالاری نباید فراموش گردد، مسئله خطیر علمیت در تصدّی، ریاست و زمام‌داری است. برترین، فقیه‌ترین و داناترین شخص، شایسته چنین مقامی است. در غیر این صورت، در قیامت جزو گروه محرومان از نظر لطف و عنایت الهی خواهد گشت. رسول اکرم \square می‌فرماید:
انّ الریاسة لا تصلح الا اهلها، فمن دعا الناس الی نفسه و فیهم من هو اعلم منه، لم ینظر الله الی یوم القیامة؛

ریاست، شایسته نیست مگر برای اهلش، پس هر کس مردم را به خود بخواند و در میان مردم داناتر از او وجود داشته باشد، خداوند در روز قیامت به وی نظر نخواهد افکند. (الاختصاص، ص ۲۵۱)

همچنین پیامبر اکرم \square عاقبت رویگردانی و تخلف از مطلب پیشین را چنین بازگو می‌فرماید:
من ام قوماً و فیهم من هو اعلم منه و افقه، لم یزل امرهم الی سقال (سفال) الی یوم القیامة؛
هر که رهبری جماعتی را در پیش گیرد و در میان ایشان داناتر و فقیه‌تر از وی باشد، پیوسته کارشان تا روز قیامت در پستی و سقوط است. (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۰۶)

امیر المؤمنین \square در نامه خویش به مالک اشتر، «خویشتن‌داری» و «تجربه» را، دو ملاک شایسته برای انتخاب کارگزاران حکومتی معرفی می‌فرماید:

توخ منهم اهل التجربة والحياء من اهل البيوتات الصالحة و القدم فی الاسلام المتقدمة؛
کارگزاری را در میان کسانی بجو که تجربه و حیا دارند و از خاندان‌هایی پارسا که در مسلمانی قدم هستند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

هم‌چنین تواناتر بودن به خلافت و داناتر بودن به فرمان خدا، ملاک‌های مهم برای تصدّی خلافت و رهبری، است:

ایها الناس، انّ احقّ الناس بهذا الامر، اقواهم علیه و اعلمهم بامر الله فیه؛
ای مردم، کسی به خلافت سزاوار است که بدان تواناتر باشد و در آن به فرمان خدا داناتر. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)

۲. نظم

نظم در لغت در معانی گوناگونی چون «ترتیب دادن، آراستن، به رشته کشیدن جواهر، شعر گفتن» (فرهنگ معین، واژه نظم) آمده است. هر حکومت، سازمان، مجموعه، تشکّل و هر فردی

در زندگی خویش، نیازمند برقراری و ایجاد نظم در حیطة کاری خویش است و گرنه بدون شک، در سایه هرج و مرج، سقوط خواهد کرد. نظمی که در فرهنگ اسلامی و سیره پیشوایان دین تأکید شده، امری است که موجب سامان گرفتن و اصلاح کارها می‌گردد.

در باره ضرورت نظم می‌توان به نامه ۴۷ حضرت علیؑ اشاره نمود که حضرت در وصیت خود به حسنینؑ و همه کسانی که با این حدیث روبه‌رو می‌گردند می‌فرماید:

اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله، و نظم امرکم؛

من، شما (حسن و حسین)، و همه فرزندان و خانواده‌ام را و هر کسی که این نامه‌ام به او می‌رسد، به ترس از خدا و رعایت نظم در کارتان سفارش می‌کنم. (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

آثار و برکات نظم در کارها و برنامه‌ریزی‌ها، به اندازه‌ای آشکار و روشن است که نیازی به پرداختن بیشتر به آن نیست.

کشاورزی و زراعت، برترین کارها نزد خداوند

از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی جامعه، بخش کشاورزی و زراعت است. پیشینه زراعت و کشاورزی در تاریخ زمین به اندازه حیات بشر است. در سیره پیشوایان دین، هر جا سخن از افزایش تولید بوده، بیشتر از کشاورزی و زراعت یاد شده است. آن گونه که در احادیث ذکر خواهد شد، بسیاری از پیامبران خدا کشاورز بودند و در کنار مشاغل دیگری همچون چوپانی، از کار زراعت نیز ارتزاق می‌نمودند.

بنا بر این، شکوفایی این بخش در جامعه اسلامی، باید بیش از پیش مورد توجه و برنامه‌ریزی مسئولان قرار گیرد و در سند چشم‌انداز برای این بخش و کشاورزان زحمت‌کش، جایگاه ویژه و درخوری قائل شوند.

نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، اسراف‌های فراوانی است که در مصرف محصولات کشاورزی، بویژه نان، در کشور ما مشاهده می‌شود. بر اساس آمار و ارقام، بالاترین نرخ مصرف سرانه نان در جهان، به کشور ما اختصاص دارد. مصرف سالانه سیزده میلیون تن گندم در کشور، نشان‌دهنده اسراف و ضایع ساختن درصد بالایی از این محصول ارزش‌مند در مراحل گوناگون تولید تا توزیع است. (ر. ک: کتاب مسابقه کتاب‌خوانی سومین جشنواره ملی بهار، مقاله «اصلاح الگوی مصرف از نظر اقتصادی») در اهمیت و ارزش نان همین بس که خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفیؑ می‌فرماید:

اکرموا الخبز، فانه قد عمل فيه ما بين العرش الى الارض و ما فيها من كثير من خلقه؛

نان را عزیز دارید، چه آن که عوامل سماوی و ارضی و بسیاری از آفریده‌های الهی، در ایجاد آن مؤثر بوده‌اند. (بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۶۱)

کشاورزی و زراعت، به دلیل آن که نفع و سودش همگانی است، در منظر پیشوایان دین، برترین کارها به شمار آمده است. امام باقر □ می‌فرماید:

خیر الاعمال، زرع یزرعه فیأکل منه البر و الفاجر؛

بهترین کارها، زراعت است که محصول آن را نیکوکار و بدکار می‌خورند. (همان، ج ۳، ص ۲۰)

هم‌چنین، کشاورزی از محبوب‌ترین کارها در نزد خداست و شغل بسیاری از پیامبران و اولیای الهی بوده است. امام صادق □ می‌فرماید:

کنوز الله فی ارضه و ما فی الأعمال شیء احب الی الله من الزراعة. و ما بعث الله نبیاً الا زارعاً
الا ادريس □ فانه كان خياطاً؛

گنج‌های الهی در زمین نهفته است و هیچ کاری نزد خداوند محبوب‌تر از زراعت نیست. تمام پیامبران خدا کشاورز بودند جز ادريس که کارش دوزنگی بود. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۳)

کشت درختان و زراعت محصولات کشاورزی، پاک‌ترین و حلال‌ترین اعمال بشر معرفی شده است. امام صادق □ در حدیثی ارزش‌مند به این مطلب اشاره می‌فرماید:

ازرعوا و اعرسوا - و الله، ما عمل الناس عملاً احلاً و لا اطیب منه. و الله لیزرعن الزرع و لیغرسن الغرس بعد خروج الدجال؛

زراعت کنید و درخت بکارید. به خدا قسم، هیچ عملی حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن نیست (از این نظر که کشاورزی و درخت‌کاری، در تغذیه و حیات بشر ضروری است و گذشت زمان آن را از میان نخواهد برد). به خدا قسم، پس از خروج دجال (در آخر الزمان نیز) مردم زراعت می‌کنند و درخت می‌نشانند.

در سیره پیشوایان دین، کار کشاورزی، هر چند اندک و ناچیز، اجر و پاداش صدقه دارد؛ چون موجب سود رساندن به دیگران می‌شود. رسول گرامی اسلام □ می‌فرماید:

ما من مسلم یغرس غرساً او یزرع زرعاً فیأکل منه انسان او طیر او بهیمة الا کانت له به صدقة؛
مسلمانی که درختی غرس یا زراعتی سبز نماید و مردم، طیور و چرندگان از آن بخورند، اجر صدقه دارد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۶)

از منظر معصومان□، این کار به قدری شریف و عزیز است که حتی قرار گرفتن در آستانهٔ پایان دنیا و بر پایی روز قیامت نیز نباید آدمی را از این مهم باز دارد. پیامبر اکرم□ در این باره می‌فرماید:

ان قامت الساعة و فی ید احدکم الفسیله، فان استطاع ان لا تقوم الساعة حتی یغرسها فلیغرسها؛

اگر پایان دنیا فرا رسید و یکی از شما نهال درختی در دست دارد، چنان چه به قدر کاشتن آن فرصت دارد، آن را بکارد. (همان، ج ۲، ص ۵۰۱)

امیر المؤمنین علی□ در سیاست‌های اقتصادی حکومت خود، تکیه بر درآمدهای حاصل از کشاورزی را مهم شمرده و آن را بر تحصیل درآمد از راه گرفتن مالیات مقدم می‌خواند و بلکه رواج کشاورزی را موجب رونق بازار مالیاتی می‌داند و حاکمان خود را به این امر توجه می‌دهد: ولیکن نظرک فی عمارة الأرض، ابلغ من نظرک فی استجلاب الخراج، لانّ ذلک لا یدرک الا بالعمارة؛

باید توجه تو در آبادانی زمین، از تلاش تو در گرفتن مالیات از کشاورزان بیشتر باشد؛ زیرا دریافت مالیات جز به آبادانی زمین ممکن نمی‌شود. (نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳)

در نگاه ایشان، تنگ‌دستی طبقهٔ کشاورز و زارع و عدم رسیدگی به آنان، سبب خرابی و نابودی زمین می‌گردد. و ریشه و اساس این مشکلات را طمع و حرص حاکمان و متصدیان دولتی در گردآوری مال و زراندوزی معرفی می‌کند:

انما یؤتی خراب الأرض من أعواز أهلها، و انما یعوز أهلها لإشراف أنفس الولاة علی الجمع، و سوء ظنّهم بالبقاء، و قلة انتفاعهم بالعبر؛

خرابی زمین، از تنگ‌دستی کسانی است که بر روی آن کار می‌کنند. کشاورزان، هنگامی تنگ‌دست گردند که والیان و دولت‌مردان به گردآوری مال روی آورده، گمان به همیشه زنده ماندن کنند و از رخدادهای عبرت‌ناگیند. (همان، ص ۶۶۶)

در قرآن کریم نیز به این مسئلهٔ حیاتی برای بشر، توجه و اشاره شده است. قرآن کریم می‌فرماید:

هو أنشاکم من الارض و استعمرکم فیها؛

اوست که شما را از زمین پدید آورد و شما را به عمران آن وا داشت. (سوره هود، آیهٔ ۶۱)

حضرت علی□ در تفسیر این آیهٔ شریفه می‌فرماید:

فاعلمنا سبحانه انه قد أمرهم بالعمارة لیكون ذلک سبباً لمعایشهم بما ینخرج من الأرض من الحب و الثمرات، و ما شاکل ذلک مما جعله الله تعالی معایش للخلق؛

خداوند به مردم امر کرده است زمین را با کشاورزی آباد سازند، تا بدین وسیله خوراکشان از غلات، و حیوانات و میوه‌ها و سایر روئیدنی‌ها که خدا برای آسایش بندگانش آفریده است تأمین گردد. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۲۶)

پایان سخن را با حدیثی آموزنده از امیر بیان □ در مذمت افرادی که با داشتن حد اقل امکانات کشاورزی، به آن اقدام نکنند و با سستی و تنبلی به پذیرش یک زندگی فقیرانه تن دهند، زینت می‌دهیم.

من وجد ماء و تراباً ثم افتقر فابعده الله؛

کسی که آب و خاک در اختیار داشته اما (نیروی انسانی خود را برای بهره‌برداری به کار نیندد) و با فقر و نیازمندی عمر بگذراند، از رحمت خدا به دور خواهد ماند. (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۹)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ادب
الکلیه

کتابنامه

- قرآن کریم، مترجم: محمد مهدی فولادوند، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۲.
- اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن التیر الجزری، عزّ الدین، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ هـ.
- اصلاح الکوی مصرف از منظر اقتصادی، پروین پوررحیم، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸.
- الإختصاص، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، قم: مطبعة مهر، اول، ۱۴۱۳ هـ.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ هـ.
- الأمالی، شیخ طوسی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ هـ.
- الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (کلینی)، تحقیق: علی اکبر الغفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، دوم، ۱۳۸۹ هـ.
- المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ملا محسن فیض کاشانی، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم: انتشارات اسلامی، دوم، بی تا.
- المستطرف من کل فنّ مستطرف، احمد بن علی ابشهی (ابوالفتح)، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ هـ.
- المیزان فی التفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، مترجم: سید محمد باقر موسوی، قم: ۱۳۷۵.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: الوفاء، سوم، ۱۴۰۳ هـ.
- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرّانی، مترجم: صادق حسن زاده، قم: انتشارات علی، هشتم، ۱۳۸۶.
- تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ابی الحسین ورام، تهران: دار الکتب الاسلامیة، دوم، ۱۳۶۸.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، قم: درالرضی، ۱۴۰۶ هـ.
- سیره پیشوایان دینی (جزوه)، مصطفی دلشاد تهرانی، تهران: دانشکده مجازی علوم حدیث، بی تا.
- صحیح بخاری، محمد بخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ هـ.
- غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد آمدی، مترجم: محمد علی انصاری. تهران: بی نا، ۱۳۳۷ هـ.
- فرهنگ فارسی معین، محمد معین، تهران: بهزاد، ۱۳۸۲.
- کار و تولید، حسن نظری، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۴.

- لثالی الأخبار، شیخ محمد نبی تویسرکانی، قم: علامه، ۱۴۱۳ هـ .
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی. تحقیق: مؤسسۃ آل البيت، مشهد: چاپ سعید، ۱۴۰۷ هـ .
- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۵.
- نهج البلاغه، مترجم: کاظم عابدینی مطلق، تهران: انتشارات آفرینه، سوم، ۱۳۷۹.
- وسائل الشیعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی. تحقیق: عبد الرحیم ربّانی یرازی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، پنجم، ۱۴۳۰ هـ .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی